

نقدها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:**احکام؛ اصول و قواعد****بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ****نقد****نویسنده: سید محمود طباطبایی تاریخ: ۱۳۹۴/۱/۱۶**

عقیده‌ی جناب منصور هاشمی خراسانی برای این جانب قابل تصدیق است. مطابق با عقیده‌ی ایشان آن طور که بنده از کتاب ارزشمندشان برداشت کردم، اولاً ظنّ به احکام شرع برای مردم کافی نیست و یقین برای آن‌ها لازم است و ثانیاً تنها طریق دست یافتن آن‌ها به یقین، رجوع به خلیفه‌ی خداوند در زمین است و ثالثاً رجوع به خلیفه‌ی خداوند در زمین برای آن‌ها ممکن است و عدم امکان آن ذاتی نیست و در صورت اراده و اقدام آن‌ها تحقق پیدا می‌کند. اما سوآلی که برای بنده باقی مانده این است که الآن من به عنوان کسی که دعوت جناب منصور را پذیرفته و مصمّم به زمینه‌سازی برای ظهور مهدی است، چگونه می‌توانم تکالیف شرعی خودم مانند نماز و روزه و حجّ و زکات را انجام بدهم؟ با توجه به اینکه تقلید و اجتهاد مصطلح، هر دو من را به ظنّ می‌رسانند و ظنّ بنا بر فرمایش متین این بزرگوار حجّت نیست و اراده و اقدام من به تنهایی نیز برای دسترسی به مهدی کفایت نمی‌کند تا بتوانم با رجوع به آن حضرت یقین به تکالیف شرعی خودم پیدا بکنم و ممکن است تا زمانی که عده‌ای کافی از مردم با من در این زمینه همراه می‌شوند و به جناب منصور می‌پیوندند تا زمینه برای ظهور مهدی فراهم شود مدّت زیادی طول بکشد و من قاعدتاً نمی‌توانم در این مدّت، تکالیف شرعی خودم را ترک کنم. البته جناب منصور به درستی فرموده‌اند که بار گناه این عدم یقین بر گردن خود من است و من هستم که به نوبه‌ی خودم در این عدم دسترسی به مهدی نقش داشته‌ام و تبعاً خودم را از یقین به احکام شرع محروم کرده‌ام، ولی با این حال من که الآن به اصطلاح توبه کرده‌ام و دعوت این بزرگوار را پذیرفته‌ام و در صدد زمینه‌سازی برای ظهور مهدی برآمده‌ام، باز هم نمی‌توانم یقین به احکام شرع پیدا کنم؛ چراکه سایر مردم با من همراهی نمی‌کنند. لذا سوآل بزرگ این است که من در این مدّت چه خاکی باید بر سرم بکنم و بدون تقلید و اجتهاد و رجوع به مهدی چگونه به تکالیف شرعی ام عمل کنم؟! آیا با اینکه من به سوی اسلام خالص بازگشت کرده‌ام و حق را شناخته‌ام و به جناب منصور پیوسته‌ام، وضعم از این جهت با گذشته فرقی نکرده و با دیگرانی که این کار را نکرده‌اند برابر است؟! در این صورت، قبول دعوت جناب منصور صرف

نظر از اینکه برای ظهور مهدی لازم است، چه فایده‌ای برای من از جهت عمل به تکالیف شرعی دارد؟!

من جواب همه‌ی سؤالاتم را تاکنون گرفته‌ام و این آخرین سؤالی است که برایم باقی مانده است و فکر می‌کنم که اگر جواب این سؤال را بدهید، حجت از هر لحاظ بر من تمام می‌شود و می‌توانم جان خودم و هر چیز دیگری که دارم را با خوشحالی در راه این انسان بزرگ بدهم. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ.**

با تشکر از پاسخ شما که مشتاقانه منتظرش هستم.

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۴/۱/۱۶

برادر بصیر، فرهیخته و باریک‌بین!

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید تا پاسخ آخرین سؤال خویش را نیز دریافت کنید:

اولاً کسی که دعوت منصور به زمینه‌سازی برای ظهور مهدی را پذیرفته، با کسی که آن را نپذیرفته است، یکسان نیست؛ زیرا کسی که آن را نپذیرفته، در عدم دسترسی به مهدی «مقصر» است و کسی که آن را پذیرفته، از تقصیر در آن خارج شده است و «قاصر» شمرده می‌شود و این آثار بسیار متفاوتی برای هر یک از آن دو دارد. کسی که در عدم دسترسی به مهدی مقصر است، در عمل بر پایه‌ی ظن معذور نیست؛ چراکه خودش مسبب عدم دسترسی‌اش به یقین شده است، ولی کسی که در عدم دسترسی به مهدی قاصر است، در عمل بر پایه‌ی ظن معذور است؛ چراکه خودش مسبب عدم دسترسی‌اش به یقین نشده است، بلکه دیگران مسبب آن شده‌اند. بنابراین، کسی که دعوت منصور به زمینه‌سازی برای ظهور مهدی را نپذیرفته، «ظالم» است و کسی که آن را پذیرفته، «مظلوم» و گناه مظلوم در عمل به ظن در مواردی که گزیری از آن ندارد، بر گردن ظالم است که او را به آن ناگزیر ساخته و گناهی بر او که ناگزیر شده است، نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ﴾**^۱؛ «و هرآینه چیزی که بر شما حرام کرده را برایتان بیان کرده است، مگر چیزی که به آن ناگزیر شوید و هرآینه بسیاری با اهواء خود و بدون علم گمراه می‌کنند، بی‌گمان پروردگارت به ستمکاران داناتر است.»

ثانیاً کسی که به سبب تقصیر خود، از دسترسی به مهدی محروم است، پیش از آنکه مکلف

به نماز و روزه و حجّ و زکات باشد، مکلف به زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت است. پس اگر به زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت اقدام کند، در عمل به نماز و روزه و حجّ و زکات خود بر پایه‌ی ظن، معذور است و اگر به زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت اقدام نکند، نماز و روزه و حجّ و زکات او بر پایه‌ی ظن، قابل قبول نیست. بنابراین، زمینه‌سازی برای ظهور مهدی، واجب فوری است و بر سایر واجبات تقدّم دارد.

ثالثاً کسی که به سبب قصور خود، از دسترسی به مهدی محروم است، در همه‌ی موضوعات ناگزیر از عمل بر پایه‌ی ظن نیست؛ زیرا درباره‌ی برخی موضوعات، آیاتی از قرآن وجود دارد که عمل بر پایه‌ی آن‌ها جایز است و درباره‌ی برخی موضوعات، اخبار متواتری وجود دارد که عمل بر پایه‌ی آن‌ها جایز است و به نظر می‌رسد که ارکان نماز و روزه و حجّ و زکات، از جمله‌ی همین موضوعات اند و با این وصف، عمل به آن‌ها در زمان عدم دسترسی به مهدی ممکن است و عمل بر پایه‌ی ظن شمرده نمی‌شود. این به آن معناست که قاصر در عدم دسترسی به مهدی، نباید در طلب علم به اخبار متواتر و عمل بر پایه‌ی آن‌ها تقصیر کند؛ چراکه اگر در آن تقصیر کند، در عمل بر پایه‌ی ظن معذور نیست، اگرچه در عدم دسترسی به مهدی قاصر باشد.

رابعاً کسی که به سبب قصور خود، از دسترسی به مهدی محروم است، در موضوعاتی که اخبار متواتری درباره‌ی آن‌ها وجود ندارد، مجاز به عمل بر پایه‌ی اخبار واحد نیست؛ چراکه ظنّ حاصل از اخبار واحد، با ظنّ حاصل از غیر آن، در ظن بودن یکسان است و ظن، صرف نظر از اینکه از چه طریقی حاصل شده باشد، مانند شک است. بنابراین، کسی که به سبب قصور خود، از دسترسی به مهدی محروم است، در موضوعاتی که اخبار متواتری درباره‌ی آن‌ها وجود ندارد، خواه اخبار واحدی درباره‌ی آن‌ها وجود داشته باشد و خواه نداشته باشد، به «اصول عملی» رجوع می‌کند و آن‌ها عبارت از برائت، احتیاط، تخییر و استصحاب هستند که عقلاً در موارد شک، برای برون‌رفت از بن‌بست در پیش می‌گیرند؛ به این ترتیب که هرگاه در اصل تکلیف شک دارند، به برائت و هرگاه در موضوع آن شک دارند، در صورت امکان، به احتیاط و در صورت عدم امکان، به تخییر روی می‌آورند و هرگاه در بقاء آن شک دارند، استصحاب را جاری می‌کنند، تا آن گاه که یقین برایشان حاصل شود.

خامساً کسی که به سبب قصور خود، از دسترسی به مهدی محروم است، هرگاه یقین پیدا کند که منصور همان منصور خراسانی موعود است که پیامبر و اهل بیتش در اخبار متواتر به پیروی از او امر کرده‌اند، می‌تواند برای شناخت احکام از روی دلیل به او رجوع کند؛ چراکه او داناترین مردم به احکام بعد از مهدی است و هرگاه رجوع به مهدی به سبب قصوری ممکن نباشد، باید به داناترین مردم بعد از او رجوع کرد و رجوع به وی، از رجوع به سایر مردم برای

بررسی همه‌ی آراء و دلایل که کاری دشوار و پرخطر است، بی‌نیاز می‌کند؛ چنانکه علی علیه السلام در خطبه‌ای پیرامون فتنه‌های آخر الزمان، بر این نکته تأکید کرده و با اشاره به منصور خراسانی فرموده است: «اغْلَمُوا أَنْكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مَنَاهَجَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ وَالْبُكْمِ، وَكُفَيْتُمْ مَوْوَنَةَ الطَّلَبِ وَالتَّعْسُفِ، وَبَدَدْتُمْ الثَّقَلَ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْنَاقِ»^۱؛ «بدانید که اگر شما از طلوع‌کننده‌ی مشرق پیروی کنید، شما را به راه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رهسپار می‌سازد، پس از کوری و کری و گنگی بهبودی پیدا می‌کنید و از زحمت جستجو و بیراهه رفتن آسوده می‌شوید و بار سنگین و خطرناک را از گردن خود بر می‌دارید».

این گونه خداوند برای کسی که تقوا پیشه می‌کند، راهی قرار می‌دهد؛ چنانکه فرموده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^۲؛ «و هر کس از خداوند تقوا پیش گیرد برای او راه برون‌رفتی قرار می‌دهد» و کسانی که درباره‌ی او تلاش می‌کنند را به راه‌های خود رهنمون می‌شود؛ چنانکه فرموده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۳؛ «و کسانی که درباره‌ی ما تلاش می‌کنند را حتماً به راه‌های خود رهنمون می‌شویم»، ولی کسانی که ظالمند و از تلاش درباره‌ی او فرو می‌گذارند را بی‌چاره می‌کند و برایشان هیچ راهی قرار نمی‌دهد؛ چنانکه فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ»^۴؛ «هرآینه کسانی که کفر ورزیدند و ستم کردند را خداوند هرگز نمی‌آمزد و به هیچ راهی رهنمون نمی‌شود؛ مگر راه جهنم»؛ چراکه او بسیار بخشاینده و مهربان و در عین حال، بسیار حساب‌گر و سخت‌گیر است و هرگز نیکوکاران را مانند بدکاران قرار نمی‌دهد؛ چنانکه فرموده است: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»^۵؛ «آیا کسانی که بدی‌ها را پیشه کردند پنداشتند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، زندگی و مرگشان مانند هم است؟! بد قضاوت می‌کنند!» و فرموده است: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»^۶؛ «یا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند را مانند فسادکنندگان در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزکاران را مانند فاجران قرار می‌دهیم؟!».

۱. الكافي للكليني، ج ۸، ص ۶۶؛ الإرشاد للمفيد، ج ۱، ص ۲۹۱

۲. الطلاق / ۲

۳. العنكبوت / ۶۹

۴. النساء / ۱۶۸ و ۱۶۹

۵. الجاثية / ۲۱

۶. ص / ۲۸

خداوند همه‌ی مسلمانان را توفیق پیوستن به نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی ارزانی دارد تا از بی‌چارگی رهایی یابند؛ چراکه هیچ راهی جز آن برای رهایی آنان از بی‌چارگی نیست، اگرچه شرق تا غرب جهان را بکاوند و ستایش برای خداوندی است که چنین خواسته و چنین مقرّر داشته است.



تاریخ: ۱۳۹۵/۴/۳۰

نویسنده: سعیدی

نقد فرعی ۱

شما در پاسخ فوق، نهایتاً عمل به «اصول عملی» را برای قاصر مجزی و عمل به «اخبار واحد» را برای او غیر مجزی دانسته‌اید. سؤال این است که فرق میان «اخبار واحد» و «اصول عملی» چیست؟ مگر هر دو افاده‌ی ظن نمی‌کنند؟ پس چرا عمل به «اصول عملی» برای قاصر جایز است، ولی عمل به «اخبار واحد» برای او جایز نیست؟!

تاریخ: ۱۳۹۵/۴/۳۱

پاسخ به نقد فرعی ۱

«اخبار واحد» و «اصول عملی» هر دو مفید ظنّ به حکم واقعی هستند، ولی «اصول عملی» بر خلاف «اخبار واحد»، مفید قطع به حکم ظاهری است؛ با توجه به اینکه عقاب بلا بیان عقلاً قبیح است و ظن، به اقتضای «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً»^۱، بیان محسوب نمی‌شود و با این وصف، تکلیف مکلف در حالت عدم قطع به حکم واقعی، هرگاه در آن «مقصر» نباشد، عمل به براءت، احتیاط، استصحاب و تخییر است؛ زیرا عقاب او در چنین حالتی، عقاب بلا بیان محسوب می‌شود که ممکن نیست، در حالی که عمل «مقصر» به براءت، احتیاط، استصحاب و تخییر در حالت عدم قطع به حکم واقعی، مانند عمل او به آن‌ها در حالت قطع به آن است که وجهی ندارد؛ چراکه بیان نسبت به او موجود است و او خود برای وصول به آن اقدام نمی‌کند و از اینجا دانسته می‌شود که عمل «قاصر» به «اصول عملی» در موضوعاتی که آیات قرآن و اخبار متواتری درباره‌ی آن‌ها وجود ندارد، مجزی است و تبعاً جایی برای عمل او به «اخبار واحد» باقی نمی‌ماند، ولی عمل «مقصر» به «اصول عملی» مانند عمل او به «اخبار واحد»، در هر حال موجب براءت ذمه‌ی او از تکلیف نمی‌شود و این بن‌بستی است که خود با سوء اختیارش پدید آورده است و تبعاً منافی با لطف خداوند نیست، بل مطابق با قوانین اوست که فرموده است:

۱. یونس / ۳۶



«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^۱؛ «خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند» و فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ»^۲؛ «خداوند عمل مفسدان را درست نمی‌کند» و فرموده است: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۳؛ «خداوند تنها از پرهیزکاران قبول می‌کند».



بایکة اطلاع بر سبب افتر منصوصوها شیخ حر العالی حفظه الله تعالی
مجلسه مجتبیٰ تبریزی قبلها



۱. المائدة / ۵۱

۲. یونس / ۸۱

۳. المائدة / ۲۷

بایکة اطلاع بر سبب افتر منصوصوها شیخ حر العالی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه توییتر بایکة

صفحه اینستاگرام بایکة

صفحه تلگرام بایکة

صفحه فیسبوک بایکة

لینک سایت بایکة